

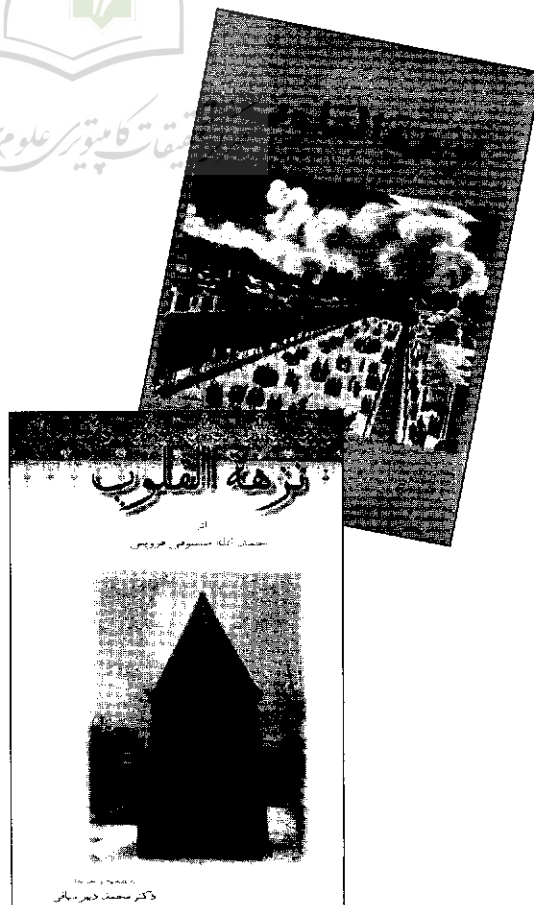
ایران و شهرهای قلمرو ایلخانی در نزهة القلوب

دکتر فریدون الهیاری

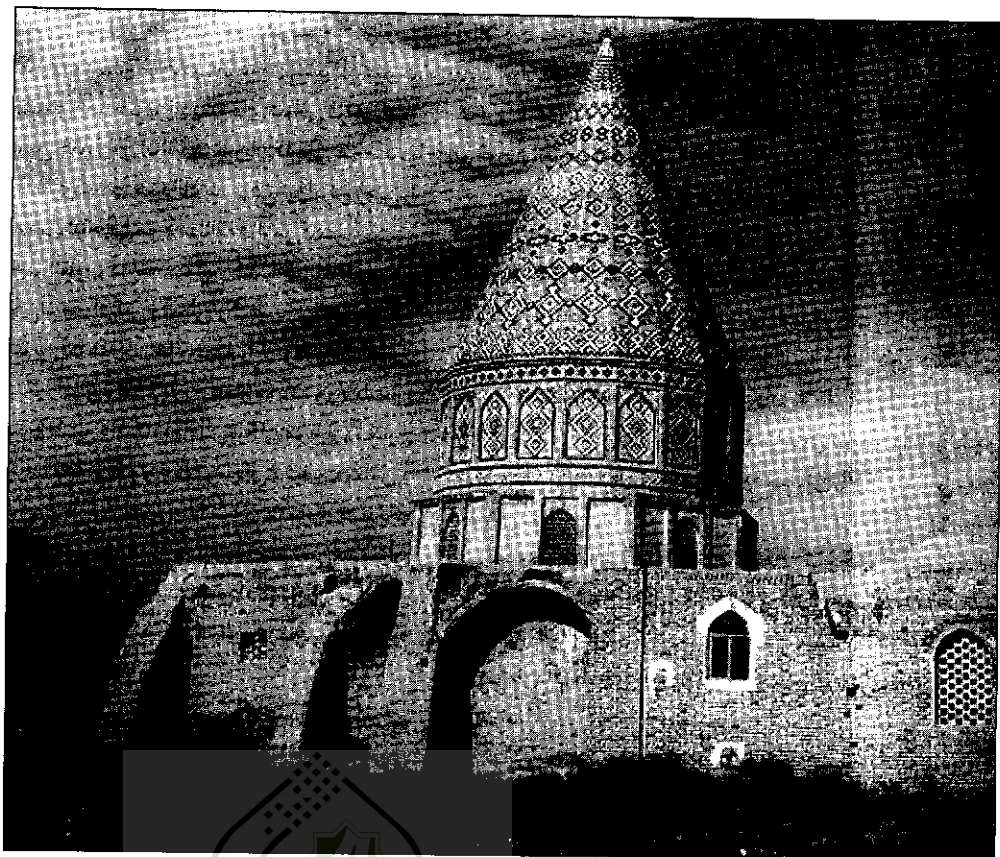
عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی مورخ و جغرافیا نویس سده هشتم هجری از خانواده‌ای دیوانی است. اگرچه او خود را منسوب به حربن یزید ریاحی و تازی نژاد می‌خواند، اما خاندان وی از سال ۲۲۳ هـ. تا سال ۴۲۰ هـ. که سلطان محمود غزنوی بر عراق عجم مستولی شد، در قزوین حکومت می‌کردند. از این پس به سبب اشتغال افراد این خاندان به امور مالی و منصب استیفا در دوره‌های مختلف، به خاندان مستوفی مشهور شدند. حمدالله مستوفی نیز بنا بر قول وی در مقدمه کتاب نزهت القلوب از جوانی «بر متابعت کارآبا و اجداد یعنی شیوه عمل پیشگی اشتغال می‌داشت»،^۱ اطلاعات موجود درباره زندگی وی بسیار اندک و در حد اشاراتی مختصر در آثار اوست. او در سال ۷۱۱ هـ. به فرمان خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی به پیشکاری امور مالی «قزوین، زنجان، ابهر و طارمین» منصوب گردید.^۲ اگرچه درباره مناصب و تجارب دیگر نویسنده آگاهی روشنی در دست نیست، اما بر پایه اطلاعات موجود حمدالله مستوفی تقریباً تا سال‌های آخر زندگی از نزدیکان خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و فرزندش غیاث‌الدین محمد وزیر بود و در دستگاه ایلخانی مأموریت‌های مهم مالی چون تنظیم جامع الحساب ممالک ایلخانی و «تقریر اموال بغداد» یافت.^۳ سفرهای نویسنده به شهرهای مهم قلمرو ایلخانی مانند تبریز، شیراز، بغداد و اصفهان بر تجارب و دانش او افزود.

ارتباط حمدالله مستوفی با خواجه رشیدالدین فضل‌الله که وی را «مخدوم سعید شهید» می‌خواند،^۴ به گونه‌ای است که علاوه بر امور دیوانی، در تألیفات مهم تاریخی و جغرافیایی نیز موجب پیروی



کاشان، بقعه ابولونو
(آرامگاه)، دوره مغول



مهمترین بخش اطلاعات نزهت القلوب مربوط به توصیف اوضاع بلاد ایران در دوره ایلخانی، به ویژه نیمه نخست سده هشتم هجری است که در مطالعات این دوره از اهمیت کم نظیری برخوردار است

مستوفی با کاربرد اصطلاحاتی چون «مصر جامع»، «شهر بزرگ»، «شهر وسط»، «شهر کوچک»، «شهر چه» و «شهرک»، وضع کلی و درجه شهرهای مختلف عصر ایلخانی و تغییرات آنها را بیان می‌کند

در واحد اجتماعی بزرگی به نام «امت اسلامی» که فراتر از حدود سیاسی و جغرافیایی و قبیله‌ای بود، قرار گرفتند.^۱ از این رو در مطالعات و تألیفات جغرافیایی نیز مانند حوزه‌های دیگر، به عنوان بخشی از قلمرو اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و متون متعدد جغرافیایی که به زبان عربی تألیف شدند، ایران و جغرافیای آن را به عنوان بخشی از یک کلیت بزرگتر مورد توجه قرار دادند.

پس از حمله مغول و در پی بروز چالش‌های گوناگون اعتقادی، سیاسی، قومی و فرهنگی در قلمرو خلافت اسلامی، تکاپوهای مهمی با حضور و نفوذ جریان‌های مختلف در ایران پدید آمد. تشکیل حکومت ایلخانی پس از تهاجماتی ویرانگر، - تقریباً برای نخستین بار در دوران اسلامی - جغرافیای ایران را به صورتی یکپارچه، بستر حاکمیتی واحد و مستقل از سیادت خلافت ساخت.^۲ هلاکو پس از پیروزی بر اسماعیلیان و خلافت عباسی، بر ایران (به جز سواحل جنوبی دریای مازندران) آسیای صغیر و بین‌النهرین مسلط گردید. مقارن لشکرکشی به سوی شام نیز سپاهیان هلاکو بر نواحی شمالی بین‌النهرین مسلط شدند. شکست «عین جالوت» (۶۵۸هـ.) وسعت نهایی قلمرو غربی ایلخانان را با وجود تغییرات جزئی و مقطعی مشخص کرد. علاوه بر ملوک و امرای محلی، حکومت‌های قلمرو اصلی ایران، حاکمان مناطقی چون شروان، گرجستان، ارمنستان و آسیای صغیر نیز تابعیت او را پذیرفتند. قلمرو سیاسی هلاکو یادآور قلمرو پهنانور حکومت‌های ایرانی پیش از اسلام است. رشیدالدین این قلمرو پهنانور را «ایران زمین» می‌خواند.^۳ در دوران ایلخانان مسلمان مغول، با قطع وابستگی سیاسی ایلخانان به دربار مرکزی

مستوفی از او شده است. نخستین تألیف مهم او یعنی تاریخ‌گزیده که در سال ۷۳۰ هـ. به نام غیاث‌الدین محمد وزیر، فرزند خواجه رشید تألیف گردیده، تلخیص و تقلیدی از جامع‌التواریخ است. اگرچه اطلاعات آن درباره پاره‌ای حوادث و رویدادهای اواخر دوران ایلخانی بسیار ارزشمند است، اما عمده مطالب این تاریخ عمومی مبتنی بر اخبار و گزارش‌های رشیدالدین در جامع‌التواریخ می‌نماید. شاید به همین سبب دیوید مورگان او را پس از عظاملک جوینی، رشیدالدین و وصاف‌الحضرة شیرازی در ردیف مورخین کم‌اهمیت‌تر این دوره می‌خواند.^۴ از بین رفتن جلد سوم جامع‌التواریخ که به مسالک و ممالک مربوط است، مانع بررسی و مقایسه محتوای نزهت القلوب با بخش جغرافیایی اثر رشیدالدین است؛ اما مبادرت مستوفی قزوینی به تدوین تاریخ و جغرافیا، پیروی و توجه او به الگوی نویسنده جامع‌التواریخ را نشان می‌دهد که خود مبتنی بر الگوی تاریخ‌نگاران و جغرافیای‌نویسان بزرگ اسلامی چون یعقوبی نویسنده نخستین تاریخ عمومی در تاریخ‌نگاری اسلامی و پدر جغرافیای اسلامی^۵، ابوعلی مسعودی و دیگران است. به هر روی کتاب نزهت القلوب حمدالله مستوفی با توجه به فقدان بخش جغرافیایی جامع‌التواریخ، نخستین متن موجود جغرافیایی به زبان فارسی است که به جغرافیای ایران‌شهر^۶ می‌پردازد.

همان گونه که می‌دانیم پس از حمله اعراب مسلمان و قتل یزدگرد سوم (۶۵۱-۶۳۲ م) آخرین شهریار ساسانی به دست آسیابانی در مرو، ایران‌شهر جزئی از واحد سیاسی و جغرافیایی بزرگتری به نام «دارالاسلام» یا قلمرو اسلامی شد. ایرانیان مسلمان

تاریخ‌نگاری

نزهت القلوب
مجله علمی-تخصصی تاریخ و جغرافیا
دوره ۲۲، شماره ۲
تابستان ۱۳۹۸

تألیف: دکتر سید علی‌اکبر حسینی



مغول و استیلای اولجایتو (۷۱۶-۷۰۳ هـ) بر سواحل جنوبی دریای مازندران، ایران به عنوان موجودیت و هویتی مستقل عینیت یافت و در چنین بستری زمینه بروز اندیشه‌های ایرانی فراهم آمد. شاید رویکرد به تدوین جغرافیای ایران‌شهر به زبان فارسی هم مبتنی بر چنین فرصت و بستری باشد. حمدالله مستوفی نیز ایران زمین را در چارچوب حدود قلمرو ایلخانی مورد مطالعه قرار می‌دهد.^{۱۳}

نویسنده *نزهت القلوب* در مقدمه این کتاب پس از بیان نام پاره‌ای متون قدیمی‌تر جغرافیایی و ارزش و کیفیت آنها می‌نویسد: «... اما چون به عربی ساخته‌اند اهل عجم را از آن زیادت حظی نبود... و ذکر چگونگی ایران و شرح تاریخ عمارات بلاد و ولایات آن و محصول ارتفاعات و طبایع و اشکال و ادیان ساکنان هر دیار و مخارج آنها و عیون و حیثیت بحار و قفار و جبال و سهال و کیفیت معادن و کمیت مسافت و فراسخ طرق و تقریر عجایب آن به تمام از هیچ یک معلوم نمی‌شد بلکه هر وضعی از این اوصاف در جایی می‌آمده از آن نیز بعضی قاصر بود و دوستان درخواست نمودند که: چون بر احوال اکثر ایران واقفی اگر این اوصاف به زبان فارسی در مجموعه‌ای رود مجلس انس اصحاب را شمع شود و...»^{۱۴}

نزهت القلوب سومین و آخرین تألیف مهم حمدالله مستوفی است که پس از تاریخ‌گزیده (۷۳۰ هـ) و ظفرنامه (۷۳۵ هـ) که اثری حماسی به تقلید از شاهنامه فردوسی است، در سال ۷۴۰ هـ. تألیف شد. کتاب *نزهت القلوب* شامل فاتحه (مشمول بر مقدمه و دیباچه) و سه مقاله است. مقاله اول در باب معادن، نباتات و حیوانات، مقاله دوم در ذکر انسان و مقاله سوم بخش جغرافیایی کتاب مذکور و در وصف بلدان و ولایات و بقاع است. البته هدف اصلی این بخش، جغرافیای ایران است. مقاله سوم دارای دو قسم است که قسم اول بر خلاف رویکرد اصلی کتاب به ذکر حرمین شریفین که خارج از قلمرو ایران است، می‌پردازد و نویسنده درباره آن در آغاز این قسمت می‌نویسد: «اگر چه از ملک ایران زمین نیست و بیشتر غرض از تالیف این کتاب شرح احوال ایران است اما چون افضل بقاع جهان و قبله اهل ایمانست تیمن و تبرک را ابتدا کردن بدان و قسمتی علیحده در شرح احوال آن بقاع نوشتن اولی است.»^{۱۵}

قسم دوم مقاله در شرح احوال و جغرافیای ایران زمین است و شامل دو بخش مطلع، در شرح تقسیم طول و عرض و حدود اقصای و قبله بلاد و ایران است و مقصد: در ذکر ولایات و بلاد ایران و آب و هوا و عمارات و صفت ساکنان ولایات آن، در بیست باب مبتنی بر تقسیمات کشوری و اداری دوران ایلخانی است. در توصیف هریالت و شهر و ولایات آن نویسنده به فراخور اطلاعات، منابع و آگاهی‌های شخصی به بیان حدود، طول و عرض، مساحت، تاریخچه، آب و هوا، عمارات و ابواب البر، باروی شهرها، محصولات، مالیات و مذهب ساکنان می‌پردازد. بخش مهمی از اطلاعات مندرج درباره شهرها گردآوری و بازنویسی از منابع جغرافیایی و تاریخی متقدم است که نام شماری از نویسندگان و آثار ایشان را نیز در مقدمه بیان می‌کند.^{۱۶} اما بخش مهم و ارزشمندی از اطلاعات مستوفی نتیجه تجارب و مشاهدات و شنیده‌های فردی نویسنده و دسترسی او به آرشوها و اسناد حکومتی، دیوانی و مالی است.^{۱۷} به هر روی، مهمترین بخش

اطلاعات و اخبار قابل توجه *نزهت القلوب* مربوط به توصیف اوضاع بلاد ایران در دوره ایلخانی به ویژه در نیمه نخست سده هشتم هجری است که در میان مطالعات این دوره از اهمیت کم نظیری برخوردار است.

همان گونه که اشاره شد، بخش بندی بلاد ایران در *نزهت القلوب* در بیست باب مبتنی بر تقسیمات کشوری دوران ایلخانی است. یکی از مهم‌ترین امتیازات *نزهت القلوب*، ارائه کامل‌ترین تقسیمات ایالات و واحدهای کوچک ترسیاسی و اداری در قلمرو ایلخانی است که با تقسیم کشوری و فرستادن حکام و والیان در این دوره هماهنگ است.^{۱۸} نویسنده توصیف ابواب بیستگانه بلاد ایران را از عراق عرب آغاز می‌کند و در این باره می‌نویسد: «... عراق عرب را دل ایران‌شهر خوانده‌اند... در قبله ایران زمین افتاده است آن را مقدم داشتن بهتر است.»^{۱۹}

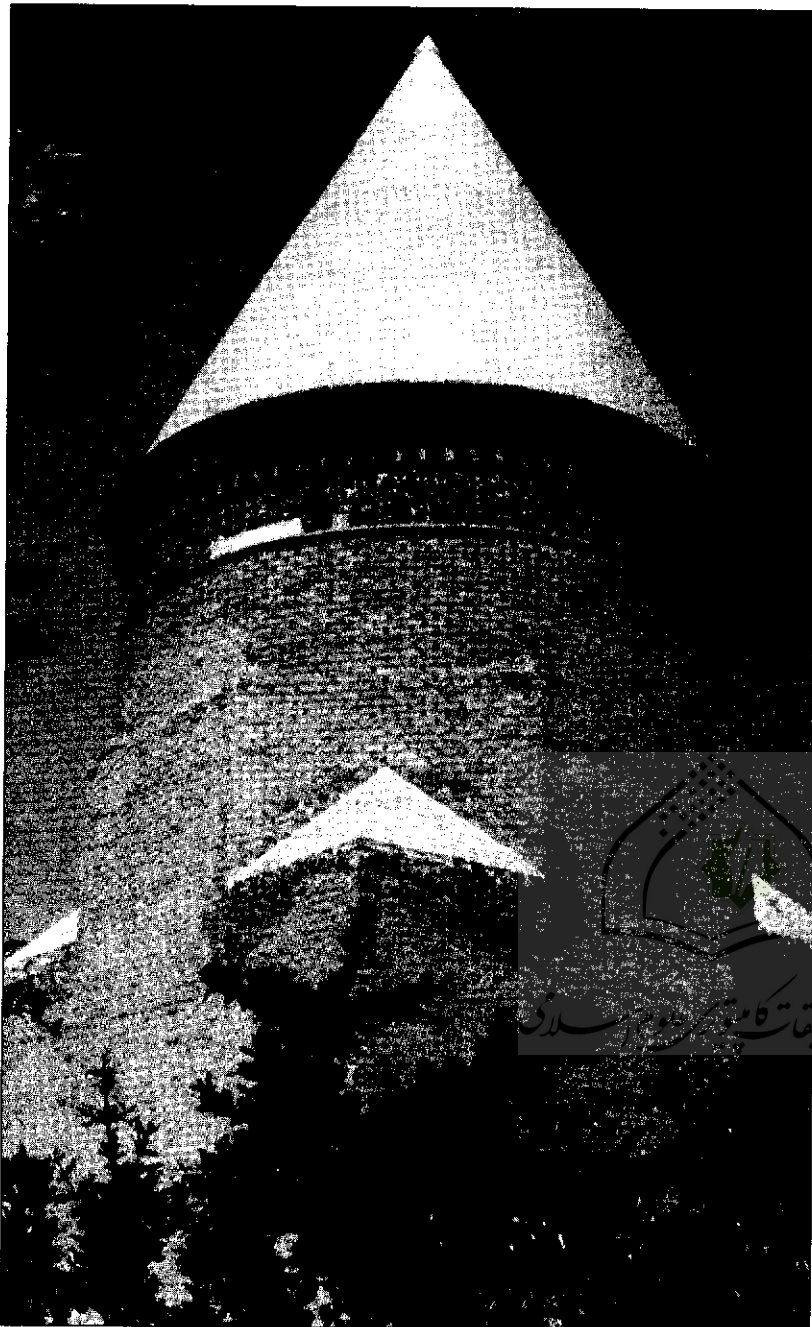
تقسیمات داخلی ایالات به واحدهای کوچک‌تر در بسیاری از مناطق تقریباً همان تقسیمات قبل از مغول است، اما در برخی ایالات به واحد جدید «تومان» برخورد می‌کنیم. ایالات عراق عجم به نه تومان، آذربایجان به نه تومان و مازندران به هفت تومان تقسیم می‌شوند.^{۲۰}

تومان به مغولی به مفهوم ده هزار است که در لشکر به معنی ده هزار سپاهی و در امور مالی به معنی ده هزار دینار است. اما در تقسیمات جغرافیایی روشن نیست و شاید نوعی تقسیم بر مبنای آمار مالیات باشد.^{۲۱} در عراق عجم، اصفهان و توابع آن دو تومان بود.^{۲۲} تومانین اصفهان شامل سه شهر اصفهان، فیروزان و قاراقان و هشت ناحیه و چهار صد پاره دیه است.^{۲۳} مستوفی، واحدهای کوچکتر هر ایالات مانند ولایات و شهرها را با بیان دارالملک آن آغاز می‌کند و سپس به بقیه شهرها و ولایات براساس ترتیب حروف الفبا می‌پردازد. فقط در ایالات عراق عرب ابتدا از کوفه شروع می‌کند و سپس به بیان بغداد که دارالملک آن ایالات در دوره ایلخانی بود، می‌پردازد و در این باره می‌نویسد: «چون کوفه دارالملک و مدفن حضرت امیر المؤمنین علی مرتضی (رضع) است.»^{۲۴}

یکی از مسائل مهم و مورد توجه در مطالعات تاریخی ایران دوره مغول، بروز جدی تضادها و تعارضات اجتماعی، فرهنگی، معیشتی و سیاسی قوم غالب و مغلوب است که تأثیرات مهمی بر حیات تاریخی جامعه ایرانی نهاد. اگرچه این تفاوت‌ها از زوایای مختلفی در تحقیقات پژوهشگران تاریخ ایران مورد توجه و بررسی قرار گرفته است، اما کوششی دقیق و شایسته برای شناسایی تأثیر آنها بر زندگی یکجانشینی، به ویژه شهرنشینی و حیات مدنی در تاریخ ایران انجام نگرفته است. بی‌تردید تهاجم مغول پایانی بر یکی از دوره‌های درخشان زندگی شهری در تاریخ ایران بود که بین سده‌های سوم تا پنجم هجری دوران شکوفایی خود را نمایان ساخت.^{۲۵} مهمترین مانع بررسی دقیق حیات شهری و زندگی مدنی در این دوره تاریخی، کمبود منابع اطلاعاتی درباره مراکز شهری ایران در ایالات مختلف است. *نزهت القلوب* حمدالله مستوفی شاید یکی از ارزشمندترین منابع تاریخی و جغرافیایی در این باره باشد که علاوه بر این که با گردآوری اطلاعات سایر منابع جغرافیایی درباره شهرهای ایران

بر اساس اطلاعات موجود، حمدالله مستوفی تقریباً تا سال‌های آخر زندگی از نزدیکیان خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و فرزندش غیاث‌الدین محمد بود

کتاب «نزهت القلوب» با توجه به فقدان بخش جغرافیایی جامع التواریخ، نخستین متن موجود جغرافیایی به زبان فارسی است که به جغرافیای ایران‌شهر در دوره مغول می‌پردازد



▲ قزوین، مقبره حمدالله مستوفی، دوره ایلخانی

اقوام در خوی با پایگاه مذهبی قوم غالب (آئین بودا) در این شهر بی‌ارتباط نباشد، بدینسان گزارش‌های **نزهت القلوب** درباره پراکندگی قومی در ایران، به ویژه مکان‌نگاری جمعیت‌های مغولی و توابع آنها در نواحی مختلف قلمرو ایلخانی حائز اهمیت است. موضوع مهمی که در فصل‌های مختلف مورد توجه نویسنده **نزهت القلوب** قرار گرفته، مالیات ایران و ایالات و شهرهای آن است. حمدالله مستوفی مالیات را یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی آبادانی و رونق زندگی در ایران می‌داند. برپایه گزارش او حقوق دیوانی ایران زمین تا دوره غازان (۷۰۳-۶۹۴ هـ.) با کسر خراسان یک هزار و هفتصد و چند تومان (بیش از هفده میلیون دینار) بود.^{۲۶} این میزان به دلیل عدل غازان که موجب آبادانی و ولایات شد، به مبلغ دو هزار و صد تومان و کسری (بیش از بیست و یک میلیون دینار) رسید.^{۲۷}

تاریخچه‌ای مختصر ارائه می‌دهد، آگاهی‌های ارزشمند و منحصر به فردی نیز درباره پیامدهای تهاجم مغول و فرایندی که شهرهای ایران از زمان استیلای مغولان تا دوران پایانی ایلخانان به ویژه دوران بحرانی پایان کار ابوسعید بهادرخان (۷۳۶-۷۱۶ هـ.) گذراند، گزارش می‌کند. بنابراین نکته مهمی که در گزارش‌های حمدالله مستوفی می‌توان به دست آورد، توصیف اوضاع گذشته و حال شهرهای ایران یا مقایسه اوضاع قبل از تهاجم و پس از آن است.

مستوفی با کاربرد اصطلاحاتی چون «مصر جامع»، «شهر بزرگ»، «شهر وسط»، «شهر کوچک»، «شهرچه» و «شهرک»، وضع کلی و درجه شهرهای مختلف و تغییرات آنها را بیان می‌کند. او در بخش مربوط به شهرهایی چون مرو و بامیان، ضمن بیان تاریخچه‌ای از گذشته این شهرها و اوضاع قبل از مغول، خرابی‌های آنها را در اواخر دوران ایلخانی توصیف می‌کند.^{۲۶} شهرری یکی از مراکز مهم و کهن مدنی ایران بود و در آغاز فصل مربوط به عراق عجم در کنار اصفهان، همدان و قم، جزو چهار شهر مهم آن ایالات بیان شده است.^{۲۷} که پس از تهاجم مغول به کلی ویران شد. این شهر که در گذشته مرکزیت بخش مهمی از ایالات عراق عجم را داشت، در دوره ایلخانی یکی از تومان‌های نه‌گانه این ایالت بود. حمدالله مستوفی درباره موقع‌ری در این تومان می‌نویسد: «این تومان را شهری سوای ری نبوده است، اکنون که ری خرابست و رامین شهر آنجاست.»^{۲۸} البته ورامین در این دوره شهر نبوده، اما به سبب ویرانی ری مرکزیت آن تومان را یافته بود. نویسنده **نزهت القلوب** در این باره می‌نویسد: «در ماقبل دیهی بوده است و اکنون قصبه شده و دارالملک آن تومان گشته.»^{۲۹}

بر پایه گزارش حمدالله مستوفی، شهرهایی چون خلخال، میانج، مرند در آذربایجان و «کاغذکنان» در عراق عجم در دوره تدوین **نزهت القلوب** بیش از نیمی از آنها ویران شده یا به دیه و روستایی تبدیل شدند.^{۳۰} مراکز شهری تومان‌های لرکوچک و لربزرگ در ایالت عراق عجم نیز پس از حمله مغول از رونق افتاده و رو به ویرانی نهادند.^{۳۱} به هر روی می‌توان گفت دوره مغول از دوره‌های رکود حیات شهری در تاریخ ایران است. حضور صحراگردان مغول و عناصر قومی بیگانه در پیرامون پاره‌ای مراکز شهری ایران، نکته‌ای در خور تأمل و بررسی در چارچوب شناسایی تعارضات زندگی صحراگردی و یکجانشینی در دوره ایلخانی است. صحراگردان مغول پیرامون شهرهایی از عراق عجم چون سجاس و سهرورد که در دوره ایلخانی به کلی ویران بوده‌اند و کاغذکنان که (دیهی) از آن برجای مانده بود، استقرار یافتند. حمدالله مستوفی درباره ویرانی سجاس و سهرورد و استقرار مغولان پیرامون آنها می‌نویسد: «در اول دوشهر بوده است و در فترت مغول خراب شد... زیاده از صد پاره دیه است و اکثرش مغول نشین گور ارغون خان در کوه سجاس است و چنانکه عادت مغول بود ناپیدا کرده بودند...»^{۳۲}

کاغذکنان و ولایت آن را نیز چون مغول نشین بود، «مغولیه» می‌خواندند.^{۳۳} در متن **نزهت القلوب** همچنین حضور گروهی از اقوام «ختایی نژاد» در شهر خوی که محل احداث یکی از معابد مهم بودایی در ایران توسط هلاکو بود^{۳۴}، گزارش شده است.^{۳۵} شاید حضور این

هر روز که بگذرد خوشا آنده دی

هر سال که نوشود خوشا غارت پار

ورد خلایق باشد.^{۴۰}

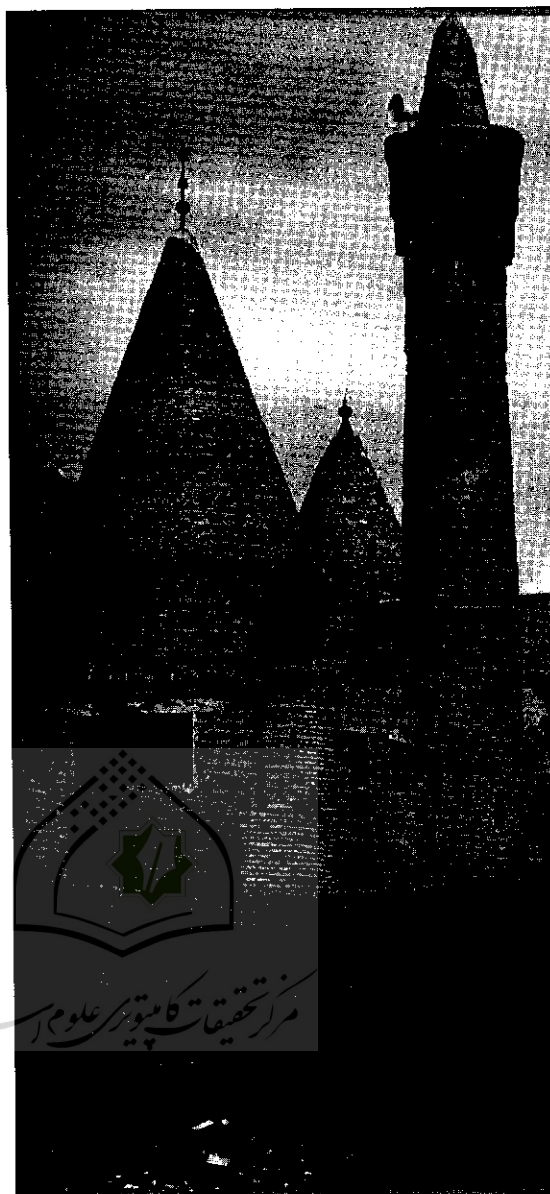
حمدالله مستوفی در شرح ابواب بیست‌گانه قلمرو ایلخانی نیز در مقدمه هر بخش به بیان میزان حقوق دیوانی ایالات می‌پردازد و در برخی ایالات با مقایسه میزان مالیات و حقوق دیوانی آن ایالت در دوره تدوین کتاب، با دوره اعتلای عهد ایلخانی یا دوره‌های قبل، عدل را مایه آبادانی و عمران و افزایش درآمدهای مالیاتی دیوان می‌شمارد.^{۴۱}

نویسنده در آغاز بخش عراق عرب پس از مباحث مربوط به حقوق دیوانی آن ایالات در دوره ایلخانی و قبل از آن و بستگی درآمد دیوان با عدل و انصاف حکام می‌نویسد: «حق سبحانه و تعالی از فضل و کرم خود همه ملک ایران زمین و دیگر بلاد مسلمین را حکام عادل منصف نصب گرداناد.»^{۴۲}

بستگی مالیات به آبادانی و آبادانی به عدل و عدل و انصاف به حکام عادل در اندیشه حمدالله مستوفی یادآور سخن معروفی در فرهنگ سیاسی ایران باستان و دوران اسلامی است که در نوشته‌های نویسندگان اسلامی به نقل از چهره‌های مختلف دینی و سیاسی دوران ساسانی منعکس شده است. مسعودی در مروج الذهب به نقل از انوشیروان می‌نویسد: «پادشاهی به سپاه است و سپاه به مال و مال به خراج و خراج به آبادی و آبادی به عدل...»^{۴۳} این سخن معروف که در متون مختلف باستانی و نوشته‌های نویسندگان اسلامی انعکاس یافته است، در فرهنگ سیاسی ایران یا «اندیشه ایرانی‌شهری»^{۴۴} به عنوان چرخه ثبات سیاسی تعبیر شده است و رویکرد به این اصل در گفتارهای مستوفی نیز بستگی او را با «اندیشه ایرانی‌شهری» نشان می‌دهد.

به هر روی آن گونه که گفته شد، یکی از امتیازات مهم نزهت القلوب اطلاعات نسبتاً دقیق و ارزشمند آن درباره مالیات و حقوق دیوانی ایالات قلمرو ایلخانی و واحدهای کوچک‌تر آن مانند شهرها و ولایات مختلف است. اطلاعات نویسنده به سبب اشتغال او در مشاغل مالی و استیفا و آشنایی با دستگاه دیوانی و مالی درباره مالیات و حقوق دیوانی نواحی و شهرها و نوع مالیات‌ها دارای ارزش بسیاری است. برخی اطلاعات او درباره مالیات ایالات در دوره‌های پیشین مبتنی بر آرشو و اسناد مالی ایالات است و از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. به طور نمونه درباره بغداد که مدتی نویسنده منصب تقریر اموال آن را به عهده داشته است، می‌نویسد: «و من در بغداد به وقت آنکه تقریر اموال آنجا می‌کردم نسخه قانونی دیدم که در عهد ناصر خلیفه نوشته شده...»^{۴۵}

محتوای نزهت القلوب و اطلاعات آن درباره مالیات ایالات مختلف قلمرو ایلخانی نشان می‌دهد که نویسنده در برخی ایالات با دقت بیشتری به میزان مالیات واحدهای کوچک‌تر آن ایالت مانند شهرها و ولایات پرداخته است. اطلاعات او درباره شهرها و ولایات عراق عجم، آذربایجان، روم، ارمنستان و دیاربکر و ربیعه تا حدودی دقیق‌تر از سایر ایالات است، زیرا در این ایالات به شرح جزئی‌تر و دقیق‌تری درباره مالیات شهرهای مختلف و توابع آنها می‌پردازد. به



بسطام، آرامگاه شیخ بایزید بسطامی، گنبد مقبره مربوط به دوره‌های غازان و الجایتو

و درباره درآمد دیوانی زمان تدوین کتاب که دوران آشفتگی ایران پس از مرگ ابوسعید ایلخانی بود، می‌نویسد: «واکنون همانا نیمه آن نباشد چه اکثر ولایات از تحکمت و تردد لشکرها بر افتاد و دست از زرع باز داشتند.»^{۴۸} سپس به مقایسه مالیات دوره مغول با قبل از آن می‌پردازد و با بیان جمع حساب مملکت ساسانی که در سال هیجدهم پادشاهی خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ م)، مقارن ظهور اسلام، چهار صد بار هزار هزار و بیست هزار دینار زرسرخ معادل هشتاد هزار و چهار تومان زمان نویسنده (هشتصد میلیون و چهار هزار دینار) بود، می‌نویسد: «خرابی و آبادی جهان از این قیاس توان کرد.»^{۴۹} و درباره التیام‌ناپذیری خرابی‌های ناشی از حمله مغول و پریشانی ایران در اواخر دوره ایلخانی و زمان تدوین کتاب می‌نویسد: «وشک نیست که خرابی که در ظهور دولت مغول اتفاق افتاد و قتل عامی که در آن زمان اگر تا هزار سال دیگر هیچ حادثه واقع نشدی هنوز تدارک‌پذیر نبودی و جهان با آن حال اول نرفتگی که پیش از آن واقع بود علی‌الخصوص درین زمان از کثرت و وقوع حدثان

عمرانی و بازسازی و احیای شهرهای ایران پس از حمله مغول به شمار می‌آید، دوره غازان (۷۰۳-۶۹۴ هـ.) در نزهة القلوب به عنوان دوره اعتلای عهد ایلخانی معرفی شده است. توسعه تبریز و بازسازی باروی آن به عنوان بزرگترین شهر دوره ایلخانی که پایتخت غازان نیز بود، احداث شهرکی به نام «شام غازانی» در مجاورت تبریز، بنیاد شهر «اسلام اوجان» و احداث «محمودآباد اران» از جمله اقدامات مهم غازان خان در عمارت و شهرسازی در ایران است.^{۵۴} هم چنین در گزارش‌های مستوفی می‌توان اطلاعات ارزشمندی درباره ایجاد برخی ابواب البر و پایه‌گذاری موقوفات مهم و دارالسیاده‌ها توسط غازان و اولجایتو در شهرهای مهم قلمرو ایلخانی به دست آورد.

گزارش کوشش‌های اولجایتو (۷۱۶-۷۰۳ هـ.) در تکمیل و گسترش سلطانیه و بنای باشکوهی که در آن احداث کرد، نمونه‌هایی با اهمیت از اقدامات ایلخانان مغول در عمارت و شهرسازی است. بنای سلطانیه بزرگترین برنامه شهرسازی دوره ایلخانی است که در زمان تدوین نزهة القلوب شهری مهم را در قلمرو ایلخانی نمودار ساخت. به قول نویسنده «چند عمارت عالی که در آن شهر است بعد از تبریز در هیچ شهر دیگر نیست». ^{۵۵} او در ادامه درباره بزرگی سلطانیه و تنوع قومی و اجتماعی آن به عنوان پایتخت ساخته ایلخانان می‌نویسد: «از هر ولایت آمده‌اند و آنجا ساکن شده‌اند و از همه ملل و مذاهب هستند و زبان‌شان هنوز یک‌رویه نشده اما به فارسی ممزوج مایلتر است». ^{۵۶} بنای قصبه سلطان آباد چمچال در نزدیکی بیستون در کرمانشاه نیز به اولجایتو نسبت داده شده است.^{۵۷}

علاوه بر ایلخانان، در نزهة القلوب اطلاعات مهمی درباره برخی مستحدثات وزیران ایلخانی، به ویژه مخدوم نویسنده، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی و رقیب او تاج‌الدین علیشاه گیلانی وجود دارد. اطلاعات مختصر نویسنده درباره «ربع رشیدی» از بنیادهای مهم خواجه رشید و سرانجامش پس از قتل خواجه، به ویژه اقدامات فرزندش غیاث‌الدین محمد وزیر در بازسازی و رونق دوباره ربع رشیدی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^{۵۸} برخی اقدامات مهم تاج‌الدین علیشاه گیلانی مانند عمارت‌وری در تبریز به خصوص مسجد بزرگ جامع و اصلاح باروی شهر سلماس و تحکیم حصار و قلعه ارجیش در ارمنستان نیز در متن کتاب گزارش شده است.^{۵۹}

نکته مهمی که در گزارش‌های مستوفی درباره شهرهای ایران حائز اهمیت است، توصیف باروی شهرها و اندازه و ابعاد آن است. باروی یکی از شاخص‌های مهم در مطالعه پیرامون شهرهای ایرانی و اسلامی است که در متون جغرافیایی و سفرنامه‌های سیاحان مسلمان سده‌های میانه مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان استحکام باروی شهر و بزرگی آن را نمادهای امنیت و وسعت دانست که پایه‌های اصلی رونق و شکوفایی محسوب می‌شوند. به ویژه توجه به باروی شهرها و تحولات و تغییرات آن در دوره‌ای که حیات شهری در تاریخ ایران دستخوش تهدید و ویرانگری بود، اهمیت ویژه‌ای دارد. در گزارش‌های مستوفی می‌توان دریافت که افزایش و فرودهای پاره‌ای شهرها را در گزارش وضع باروی شهر و تغییرات آن به عنوان یک شاخص بیان می‌کند.

ویژه درباره نوع مالیات شهرها مشخص می‌کند که در حدود بیست و یک شهر از شهرهای ایران، نوع مالیات و حقوق دیوانی به صورت «تمغا» بود. «تمغا» نوعی مالیات بر مال التجاره و خدمات بود که بازرگانان و پیشه‌وران شهری می‌پرداختند.^{۶۰} بر پایه گزارش مستوفی، این نوع مالیات بیشتر در شهرهای عراق عجم، عراق عرب و آذربایجان متداول بود. به تعبیری می‌توان گفت که کانون‌های مهم مدنی ایران شهر و قلمرو ایلخانی در این ایالات قرار داشت. اغلب مالیات شهرهایی که به صورت تمغا بود، به طور مجزایی جدای از حقوق دیوانی سایر دیه‌ها و ولایات تابعه گزارش شده است. اما در برخی شهرها مانند قم، کاشان و یزد که مالیات آن به صورت تمغا بود، جمع حقوق دیوانی شهر و توابع در متن نزهة القلوب ذکر شده است.^{۶۱}

برخی مراکز شهری که در کنار شهرهای مهم و بزرگ قرار داشتند و مالیات آنها به صورت تمغا بود، مالیات آنها در صورت تمغای شهر بزرگتر محاسبه می‌شد، مانند فیروزان که داخل تمغای اصفهان بود^{۶۲} و انبار که داخل تمغای بغداد بود.^{۶۳}

شهر سلطانیه پایتخت اولجایتو و ابوسعید که مالیات آن به صورت تمغا بود، هنگام تدوین نزهة القلوب، اگر اردو حضور داشت، مالیات آن در حدود سی تومان (۳۰۰/۰۰۰ دینار) و در هنگام عدم حضور اردوی ایلخانی بیست تومان (۲۰۰/۰۰۰ دینار) بود.^{۶۴} مستوفی در مورد سایر ایالات قلمرو ایلخانی تنها به بحث درباره مالیات آنها پرداخته است. حقوق دیوانی ایالت قومن و طبرستان در دوره ایلخانی داخل خراسان بود. به قول حمدالله مستوفی «در زمان دولت مغول چون اکثر اوقات وزراء و کتاب دیوان اعلی خراسانی بوده‌اند خراسان و قهستان و قومن و مازندران و طبرستان را مملکتی علیحده گرفته‌اند و حسابش جداگانه کمتر چیزی به پادشاهان عرض می‌کرده و بدین حيله هر سال به مدد خرج لشکر خراسان بیست تومان از این ولایات می‌ستداند». ^{۶۵} بر پایه گزارش او، این وضع تا دوران ابوسعید ادامه داشت و در این دوره خواجه غیاث‌الدین محمد فرزند خواجه رشیدالدین به تنظیم هزینه‌های لشکر و امور و مصالح خراسان و محاسبه حقوق دیوانی آن ایالت در وجه خزانه و داخل محاسبات کشور پرداخت، اما «زمان امانش نداد و بر آن قرار نماند». ^{۶۶}

کوشش ایلخانان و شاهزادگان مغول و برخی عناصر ایرانی با نفوذ در دستگاه حکومت ایلخانی در جهت عمارت و آبادانی کشور که مایه اساسی رونق و ثبات سیاسی بود نیز از موضوعاتی است که توجه مستوفی را به خود جلب کرده است. برخی آگاهی‌های موجود در متن کتاب را در این باره می‌توان حائز ارزش فراوان یافت. در بین ایلخانان غیر مسلمان مغول، هلاکو (۶۶۳-۶۵۴ هـ.) و نواده‌اش ارغون (۶۹۰-۶۸۳ هـ.) در علاقه به عمارت و آبادانی شهرت بیشتری دارند. دستور هلاکو در عمارت شهر خبوشان (قوچان) در خراسان و اقدام ارغون در تکمیل عمران و آبادانی آن و کوشش همین ایلخان در پایه‌گذاری شهر سلطانیه از جمله اقدامات مهمی است که به عنوان نمادهای عمارت دوستی ایلخانان اولیه مغول در ایران مورد توجه قرار گرفته است.^{۶۷}

دوران ایلخانان مسلمان مغول از دوره‌های رونق فعالیت‌های

ظفرنامه

حمدالله مستوفی

شاهنامه

ابوالقاسم فردوسی

تألیف در حدود ۱۰۱۰ هـ. ق

پهنا ۱۰ سانتی‌متر، عرض ۷ سانتی‌متر، ضخامت ۱ سانتی‌متر

موسسه انتشارات و نشر دانشگاه تهران

شماره ۱۳۷۷، تهران

قلمرو سیاسی هلاکو باد آور

قلمرو پهناور حکومت‌های

ایرانی پیش از اسلام است.

رشیدالدین این قلمرو پهناور را

«ایران زمین» می‌خواند

بخش مهم و ارزشمندی از

اطلاعات نزهة القلوب نتیجه

تجارب و مشاهدات و

شنیده‌های فردی مستوفی و

دسترس‌ی او به آرشیوها و اسناد

حکومتی، دیوانی و مالی است

تبریز، ارگ علی‌شاه،
دوره ایلخانی



اطلاعات مستوفی درباره
شهرها و ولایات عراق عجم،
آذربایجان، روم، ارمنستان، و
دیاربکر و ربیعہ تاحدودی
دقیق تر از سایر ایالات است

حضور صحراگردان مغول و
عناصر قومی بیگانه در پیرامون
پاره‌ای مراکز شهری ایران،
نکته‌ای در خور تأمل و بررسی
در چارچوب شناسایی تعارضات
زندگی صحراگردی و
یکجانشینی در دوره ایلخانی
است

قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دادند.^{۶۵} اختلافات مذهبی در شهرهای ایران دوره ایلخانی عامل برخی تضادهای محلی بود. مستوفی درباره اختلافات دو محله جوباره و دردشت در شهر اصفهان که حنفی و شافعی مذهب بودند، می‌نویسد: «اما بیشتر اوقات با هم در محاربه و نزاع باشند و رسم دوهوایی هرگز از آنجا برنیفتد و همه خوشی‌های آن شهر در هنگام اظهار دو هوایی با ناخوشی آن فتنه مقابل نتوان کرد...»^{۶۶}

بدین ترتیب کتاب *نزهت القلوب* حمدالله مستوفی یکی از منابع مهم تاریخی و جغرافیایی ایران دوره ایلخانی است که علاوه بر اطلاعات مهم اداری، سیاسی، اجتماعی، تاریخی، مالی و مذهبی آگاهی‌های ارزشمندی درباره شرایط طبیعی و اقلیمی مناطق شهری و روستایی ایران، زمینه‌های اقتصادی، راه‌های بازرگانی، اصناف و بازار شهرها و بسیاری اطلاعات ارزنده دیگر ارائه می‌دهد که در مطالعات مربوط به این دوره تاریخ ایران از منابع اصلی و قابل ملاحظه به شمار می‌آید.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر بن محمد بن نصر، تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، چاپ سوم (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۸۱۱.
- ۲- پیشین، ص ۸۱۱ و ۸۱۲.
- ۳- مستوفی، حمدالله، *نزهت القلوب*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، (تهران،

اطلاعات *نزهت القلوب* درباره مذاهب مردم شهرها و ولایات مختلف ایران، به جهت دستیابی به یک موضع نگاری (توپوگرافی) از مذاهب اسلامی در شهرهای ایران دارای اهمیت است. ساکنان بیشتر شهرهای ایران در این دوره سنی شافعی و حنفی بودند. برخی از شهرها مانند تبریز و سلطانیه که مرکزیت سیاسی داشتند، به سبب حضور اقوام و گروه‌های مختلف از نظر مذهبی نیز متنوع بودند.^{۶۰}

تشیع در این دوره در نواحی مختلف ایران در حال گسترش بود.^{۶۱} گزارش‌های مستوفی نشان می‌دهد، علاوه بر اینکه در بسیاری از شهرهای ایران شیعیان به عنوان اقلیتی قابل ملاحظه حضور داشتند، در پاره‌ای از شهرها و ولایات قلمرو ایلخانی به ویژه در عراق عجم و خراسان نیز، شیعیان جمعیت غالب را تشکیل می‌دادند. گزارش‌های او نشان می‌دهد که شهرهای ری، نهاوند، آوه، قم و کاشان در عراق عجم؛ بصره، حلّه، نجف و کوفه در عراق عرب؛ جرجان در مازندران و طوس و مشهد در خراسان شهرهای شیعه‌نشین بوده‌اند. تشیع در بسیاری ولایات و دیه‌ها نیز رایج بود. در پاره‌ای موارد نویسنده درباره مذهب شهرها و روستاها اطلاعات نسبتاً دقیقی ارائه می‌دهد. به طور نمونه درباره ری که در دوره ایلخانی ویران شده بود، گزارش می‌کند که اهالی دیه‌ها و قصبات ری در این دوره به جز «قوهه» همه شیعه بوده‌اند.^{۶۲} و در کاشان با وجود تشیع ساکنان شهر، اهالی ولایت‌های آن مذهب تسنن داشته‌اند.^{۶۳} در حلّه مردم جایگاهی ساخته بودند و معتقد بودند امام زمان (عج) از آن مکان ظهور خواهد کرد.^{۶۴} در پاره‌ای شهرها مانند قزوین و مشکین با وجود اکثریت سنی مذهبان، شیعیان جمعیت

۳۳- پیشین، ص ۷۲.

۳۴- جامع التواریخ، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۴۸ و ویلبر، دونالد.ن، معماری اسلامی در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، چاپ سوم، (تهران، علمی و فرهنگی، ۶۵)، ص ۱۰.

۳۵- نزهت القلوب، پیشین، ص ۹۷.

۳۶- پیشین، صص ۲۷ و ۲۸ هم چنین نگاه کنید به لمبتون، آن، کی، تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه دکتر یعقوب آژند، (تهران، نشر نی، ۱۳۷۲)، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۳۷- پیشین، ص ۲۸.

۳۸- پیشین.

۳۹- پیشین.

۴۰- پیشین.

۴۱- پیشین، ص ۳۰.

۴۲- پیشین، ص ۳۱.

۴۳- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ چهارم (تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰)، ص ۲۶۱.

۴۴- اندیشه ایرانشهری، اصطلاحی در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران است که مبنای آن را نظام اندیشه سیاسی در ایران باستان می‌شناسند که در دوران اسلامی نیز در ایران تداوم یافت. نگاه کنید به طباطبائی، سید جواد، زوال اندیشه سیاسی در ایران، چاپ دوم، (تهران، کویر، ۱۳۷۵)، ص ۸۷ و ۸۸.

۴۵- نزهت القلوب، پیشین، ص ۳۰.

۴۶- مورگان، پیشین، ص ۱۲۳ و لمبتون، پیشین، ص ۲۲۳.

۴۷- نزهت القلوب، پیشین، صص ۷۴ و ۷۵ و ۸۴.

۴۸- پیشین، ص ۵۶.

۴۹- پیشین، ص ۲۸.

۵۰- پیشین، ص ۶۰.

۵۱- پیشین، ص ۱۸۱.

۵۲- پیشین.

۵۳- پیشین، صص ۵۹ و ۱۸۵.

۵۴- پیشین، صص ۸۶ و ۸۷ و ۹۱ و ۱۰۴.

۵۵- پیشین، ص ۶۰.

۵۶- پیشین.

۵۷- پیشین، ص ۱۲۸.

۵۸- پیشین، ص ۸۷.

۵۹- پیشین، صص ۸۷ و ۹۸ و ۱۱۸.

۶۰- پیشین، ص ۶۰ و ۸۶.

۶۱- بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، جلد دوم، حکومت ایلخانی نبرد میان دو فرهنگ، (تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱)، ص ۶۱۰.

۶۲- نزهت القلوب، پیشین، ص ۵۹.

۶۳- پیشین، ص ۷۴.

۶۴- پیشین، ص ۴۲ و مقایسه کنید با ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه دکتر محمد علی موحد، جلد اول، چاپ پنجم، (تهران، آگاه، ۱۳۷۰)، ص ۲۷۲.

۶۵- نزهت القلوب، پیشین، ص ۶۳ و ۶۴.

۶۶- پیشین، ص ۵۳ و ۵۴.

کتابخانه طهوری، (۱۳۳۶)، ص بیست و سه.

۴- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، چاپ ششم، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵)، ص ۵۲۳.

۵- نزهت القلوب، پیشین، ص ۳۰.

۶- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، ص ۵۶۲.

۷- مورگان، دیوید، مغولها، ترجمه عباس مخبر، (تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱)، ص ۲۸.

۸- نفیس، احمد، خدمات مسلمانان به جغرافیا، ترجمه حسن لاهوتی، چاپ دوم، (مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴)، ص ۳۳.

۹- ایرانشهر اصطلاح و عنوانی است که در متون باستانی به ویژه کتیبه‌های اشکانی و ساسانی بر قلمرو اصلی ایران اطلاق می‌شد. حمدالله مستوفی نیز در نزهت القلوب همین اصطلاح را برای ایران به کار می‌برد. نگاه کنید به حمدالله مستوفی، نزهت القلوب، همان، ص ۲۹.

۱۰- لمبتون، آن، کی، اس، دولت و حکومت در اسلام، سیری در نظریه سیاسی فقهای مسلمان از صدر اسلام تا اواخر قرن سیزدهم، ترجمه و تحقیق سید عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، (تهران، عروج، ۱۳۷۴)، ص ۵۳.

۱۱- اللهیاری، فریدون، ساختار حکومت ایلخانی و تداوم اندیشه ایرانشهری ایران باستان، پایان نامه دکتری، به راهنمایی دکتر اللهیار خلعتبری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.

۱۲- همدانی، رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، به تصحیح و تحشیه محمد روشن، مصطفی موسوی، جلد اول، (تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳)، ص ۱۷ و در صفحات متعدد دو مجلد.

۱۳- نزهت القلوب، پیشین، ص ۲۲ و ۲۳.

۱۴- پیشین، ص ۲۵.

۱۵- پیشین، ص ۱.

۱۶- پیشین، صص ۲۶ و ۲۷.

۱۷- پیشین، ص ۲۷.

۱۸- زریاب خوبی، عباس، سازمان اداری ایران در زمان حکومت ایلخانان، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۶۶، شماره پیاپی ۳، ص ۲۰.

۱۹- نزهت القلوب، پیشین، ص ۲۹.

۲۰- پیشین، ص ۵۱ و ۸۵ و ۱۹۷.

۲۱- زریاب خوبی، پیشین، ص ۲۹.

۲۲- نزهت القلوب، پیشین، ص ۵۲.

۲۳- پیشین، ص ۵۲ و ۵۴.

۲۴- پیشین، ص ۳۱.

۲۵- سلطان زاده، حسین، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، (تهران، آگاه، ۱۳۶۲)، ص ۱۲۱.

۲۶- نزهت القلوب، پیشین، صص ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۳ و ۱۹۴.

۲۷- پیشین، ص ۵۱.

۲۸- پیشین، ص ۵۶.

۲۹- پیشین، ص ۵۹.

۳۰- پیشین، صص ۷۲ و ۹۳ و ۹۹ تا ۱۰۱.

۳۱- پیشین، صص ۷۷ تا ۷۹.

۳۲- پیشین، ص ۶۹ و ۷۰.

دوره غازان خان (۷۰۳-۶۹۴ هـ)
در نزهت القلوب به عنوان دوره اعتلای عصر ایلخانی معرفی شده است

اطلاعات نزهت القلوب درباره مذاهب مردم شهرها و ولایات مختلف ایران، به جهت دستیابی به یک موضع نگاری (توپوگرافی) از مذاهب اسلامی در شهرهای ایران دارای اهمیت است

گزارش‌های نزهت القلوب درباره پراکندگی قومی در ایران، به ویژه مکان نگاری جمعیت‌های مغولی و توابع آنها در نواحی مختلف قلمرو ایلخانی حائز اهمیت است